



دیپلماسی پایدار؛ راهبردی موثر برای درک مذاکرات بین المللی زیست محیطی

سبحان طیبی

پژوهشگر حقوق بین الملل و دکتری حقوق محیط زیست، گروه حقوق محیط زیست، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

چکیده

یکی از مباحث بسیار مهم جهانی، دیپلماسی محیط زیست و تاثیر آن بر تعاملات بین المللی و صلح جهانی است. در این راستا دیپلماسی بعنوان یک ابزار کاربردی و تسهیل گر در روابط بین الملل است که هدف غایی آن صلح و آرامش است. در همین راستا با اینکه تفاوتی بین حقوق بین الملل و حقوق محیط زیست قائل هستیم، حقوق بین الملل محیط زیست لازم است که با جهان پیرامونی که دائم در حال تغییر است سازش یابد. این در حالی است که پیوند حقوق بین الملل و حقوق بین الملل محیط زیست ناگسستنی است و یکی از نقاط پیوند همانا دیپلماسی محیط زیست است. از این رو تعاملات بین المللی زمینه ساز روند بروز و ظهور دیپلماسی در جریان کنفرانس های بین المللی است. در این مسیر روند توسعه حقوق بین الملل محیط زیست نیز متأثر از فرایند دیپلماسی می باشد و بایستی بر این مهم اذعان داشته باشیم که تنها راه برون رفت از مخاطرات و نابسامانی های زیست محیطی، دیپلماسی محیط زیست در پرتو همکاری های بین المللی است. تعاملات بین المللی شمال و جنوب در چارچوب دیپلماسی فعال به نوعی درک ژئوپلتیکی از مذاکرات بین المللی محیط زیست محسوب می شود. این پژوهش در صدد است تا الگوی چارچوبی تعاملات بین المللی در بستر دیپلماسی محیط زیست را تبیین نماید.

کلیدواژه‌گان: دیپلماسی محیط زیست، مذاکرات بین المللی، درک ژئوپلتیکی، جهان سبز، الگوی چارچوبی.

(۱) مقدمه

بحث محیط زیست و حقوق محیط زیست اگر چه فی نفسه شاخه ای از حقوق داخلی است، اما در عصر حاضر به سبب پیشرفت صنعت و تکنولوژی که باعث به وجود آمدن مسائل زیست محیطی و آلودگی های فراوان شده، به مساله فراملی، فرامرزی و بین المللی تبدیل شده است، بدین سبب امروزه محیط زیست و حفاظت از محیط زیست حوزه ی نسبتاً نوینی

برای مقررات بین‌المللی به شمار می‌آید. بدین ترتیب محیط زیست یکی از کلیدی‌ترین مباحث قرن حاضر است که بحران کوچکی در ابعاد محلی آن می‌تواند فوراً به یک مسئله جهانی تبدیل شود (مجبایی، ۱۳۹۲، ۱). بنابراین عدم توجه به محیط زیست برای دولت‌ها فاجعه و یا حتی سقوط آنها را در پی خواهد داشت. از این رو توجه جامعه جهانی بایستی بیش از پیش به چارچوب‌های مقرر جلب گردد که از جمله این چارچوب‌ها «دیپلماسی محیط زیست» است. دیپلماسی محیط‌زیست در واقع چارچوب نظام یافته در رعایت حفظ محیط‌زیست در اثر همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با حفظ احترام به تعهدات مشترک بین‌المللی و قواعد الزام آور در جهت تحقق ثبات صلح جهانی است. (طیبی، ۱۳۹۵، ۲۳) در این چارچوب نظام یافته اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، هر کدام به صورت مجزا تحت تاثیر قرار گرفته و این جایگاه واقعی به یقین در مسیر دیپلماسی تحقق یافته است. دیپلماسی محیط زیست یکی از موضوعات اصلی و کارآمد برای تعامل کشورها و نهایتاً تعامل شهروندان و عمیق تر شدن صلح و دوستی است. دیپلماسی محیط‌زیست در واقع روایت درک ژئوپلیتیکی از مذاکرات توافق‌نامه‌های بین‌المللی زیست‌محیطی است که زمینه مساعد جهت هدایت و روشن ساختن بهبود سیستم فعلی را فراهم می‌کند. (طیبی، ۱۳۹۵، ۱۱) موافقت‌نامه‌های بین‌المللی زیست‌محیطی به صورت تصاعدی در پنج دهه گذشته افزایش یافته است. با این حال، تصمیم‌گیری در خصوص مسائل کلیدی مانند از دست رفتن تنوع‌زیستی، تغییرات اقلیمی، تخریب لایه ازن، حمل و نقل زباله‌های خطرناک و دیگر چالش‌های سیاره‌ای، نیازمند پابندی کشورها به هنجارهای بین‌المللی است. در بیش از ۲۰ سال گذشته واژه «دیپلماسی محیط‌زیست» در مباحث علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، سه حوزه کلیدی پژوهشی را در برداشته که به طور خلاصه در ادامه بیان می‌گردد:

۱. امنیت زیست‌محیطی: این متون پس از دوران جنگ سرد، در جایی که کمپایی منابع به عنوان عامل بالقوه ایجاد درگیری‌های خشونت‌آمیز قلمداد می‌گردیدند، پدیدار شدند، و در نتیجه نیازمند روش‌های مداخلات دیپلماتیک است.

۲. اداره محیط زیست جهانی: تحلیل‌های سازمانی بر این حوزه از تحقیق احاطه دارند تا محرک‌های کلیدی رفتار سازمان‌ها را که شالوده‌های بین‌المللی را به ویژه در سیستم سازمان ملل متحد داراست، درک کنند.

۳. استقرار صلح زیست‌محیطی: پتانسیل‌های مشتق از مسائل محیط‌زیستی در تامین فعالانه صلح در درگیری وضعیت‌های مناقشات یا کمک به روند بهبودی در مرحله آشتی پس از درگیری، منبع تحقیق برای ظهور این حوزه از مباحث بوده است. (طیبی، ۱۳۹۵، ۲۵۳)

از این رو دیپلماسی محیط زیست سنگ بنای استانداردهای زیست محیطی در حوزه‌های مختلف بوده و بعنوان ابزاری پیش‌برنده محسوب می‌شود. با اشاره به این مهم می‌توانیم با اطمینان بیشتر به موضوعات پیش‌رو بپردازیم.

۲) مفهوم شناسی

برای رسیدن به یک نظر جامع از مسیر نقطه نظرات مشابه و متفاوت، بایستی همکاری و هماهنگی وجود داشته باشد. برپایی کنفرانس‌ها، اجلاس‌ها و نشست‌ها بخاطر رسیدن به نقطه نظر مشترک و تصمیم‌سازی در خصوص مسائل بسیار مهم برای شهروندان جهانی است. در این راستا نیازمند ابزارهای نسبتاً دقیق و قوی هستیم تا بتوان جهت‌دهی مناسبی نسبت به این برنامه‌های بین‌المللی داشت. این زمینه بایستی در قالب همکاری‌های موثر و تعاملات بین‌المللی با امعان نظر به فضای آرام و به دور از تنش‌های انفعالی انجام پذیرد. این رخدادها بین‌المللی زمانی پر اهمیت می‌شود که موضوع مهمی مانند محیط زیست و بحث حفاظت از آن و بحث حیات زیست کره در دستور کار باشد. از این رو آن چارچوبی را که نظام بخش تمامی مراحل شکل‌گیری یک اجلاس یا کنفرانس بین‌المللی چه در مرحله مقدماتی، چه در مرحله برگزاری اجلاس و چه در زمان بعد از آن جهت اجرایی کردن خروجی‌های اجلاس در دستور کار قرار دارد را فرآیند دیپلماسی و در خصوص محیط زیست دیپلماسی محیط زیست می‌نامند.

هدف اصلی دیپلماسی بین المللی محیط زیست، برانگیختن همکاری بین المللی به منظور تولید موافقت نامه ها و سایر اسناد بین المللی در خصوص مسائل زیست محیطی است. در این فرایند، تفاوتها می تواند نقطه ی آغاز و اصول پیشگیرانه به منظور اقدام برای حفاظت از محیط زیست اعمال گردد. دیپلماسی بین المللی محیط زیست همچنین به منظور توسعه استانداردها، از طریق معاهدات و ابزار قوانین نرم استفاده می کند تا از روند تحقق توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست در تمام سطوح اطمینان حاصل کند. در این راستا دیپلماسی بین المللی محیط زیست به منظور هدایت مذاکرات میان کشورها در کنفرانس ها و جلسات، رایزنی های دیپلماتیک، و تعامل بین دولت صورت می گیرد.

۳) روش شناسی

خروجی کنفرانس ها، اجلاس ها و نشست های بین المللی همانا اسناد بین المللی شامل کنوانسیون ها، پروتکل ها، اعلامیه ها و منشورهایی است که تابعان حقوق بین الملل الزام به رعایت آن دارند. این اسناد زمانی که شکل عملی به خود گرفته و فرآیند معاهداتی خود را طی می نمایند و در پرتو آئین اجرا قرار می گیرند که منابع موثر و مسلم مطالعاتی محسوب می شوند. از این رو تمامی این اسناد در ورطه ی پژوهشی و علمی مد نظر صاحبان قلم و متخصصین قرار گرفته و بررسی می گردند. با این وصف و مطابق این اسناد در روند اجرا زمینه های همکاری میسر می گردد. در این راستا ساز کارهای قانونی در بستر قواعد و قوانین، همواره زمینه ساز رویکرد قاعده مند همکاری ها در سطوح مختلف منطقه ای، بین المللی و جهانی است. از این رو در چارچوب قواعد معاهداتی و بین المللی مجموعه شاخصه های ضابطه مند مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته و زمینه و بسترهای قانونی جوامع شکل می گیرد. در این راستا و بر اساس نقش های مختلف و چارچوب گرائی، قواعد نرم یا قواعد غیرالزام آور و قواعد سخت یا همان قواعد آمره شکل می گیرد. این مهم در تمامی زمینه ها بخصوص زمینه مطالعاتی ما در حوزه محیط زیست هم وجود دارد. شکل بررسی این اسناد در حوزه حقوق محیط زیست توصیفی-تحلیلی بوده و شرح و بسط این مهم در واقع تفسیر و یا روایتی از روند موفق دیپلماسی بین المللی محیط زیست است.

۴) آسیب شناسی ساختارها

در این پژوهش به نوعی تبیین روند توسعه حقوق بین الملل محیط زیست در پرتو دیپلماسی محیط زیست مد نظر است. دیپلماسی محیط زیست همواره چارچوبی بنیادین برای تحقق تحول و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست بوده است. اگرچه این تحول ناشی از موجودیت قانونی و هنجاری نرم و سخت بوده اما رویه قضایی نیز نقش بسزایی در توسعه ی روند حقوق بین الملل محیط زیست داشته است. (طیبی، ۱۳۹۴: ۱) اما آنچه که ذهن ما را بیش از پیش درگیر خود ساخته این است که توسعه تا چه حد توانسته مشکلات زیست محیطی جهانی را مرتفع سازد؟ طبیعتاً این سوال و سوالات دیگر زمینه ساز این مساله خواهد بود که این توسعه در حالت چارچوبی روند خوبی داشته و مجموعه معاهدات بین المللی زیست محیطی سریعاً به ذهن متبادر خواهد شد. هر چند در جهت تبیین دیپلماسی محیط زیست و تاکید بر اهمیت وجودی آن جای شک و شبهه ای باقی نیست و به نظر تنها راه نجات از برون رفت مخاطرات زیست محیطی جهانی است. اما میزان موفقیت در شکل گیری و اجرای معاهدات نیز اهمیت کار را دو چندان می سازد.

در این راستا پروفیسور ساسکیندر کتاب خود تحت عنوان "دیپلماسی محیط زیست: مذاکرات موثر تر بر موافقتنامه های جهانی"، ابراز داشته براساس بررسی دقیق و کوشش های انجام شده در انعقاد ۱۵ معاهده زیست محیطی مهم که اوج آنها در «نشست زمین» ریو بود، چهار نقص آیینی زیر به عنوان علت بیشتر شکست های مذاکرات زیست محیطی جهانی تشخیص داده شده اند.

- آیین های نمایندگی و رأی گیری، رفتار منصفانه همه کشورها و ذی نفعان را تضمین نمی نمایند؛
- ملاحظات سیاسی و علمی برای حصول اطمینان از انعقاد خردمندانترین توافقات به توازن نرسیده اند؛

- پیوند میان نگرانی‌های زیست‌محیطی و موضوعات سیاست‌گذاری به ندرت مورد بررسی قرار گرفته یا تبیین شده‌اند؛

9

- نظارت مؤثر و ترتیبات اجرایی، در نظر گرفته نشده‌اند. (Susskind, Ali, 2015, 7)

این نقص‌ها تا حدودی در سایر انواع مذاکرات چندجانبه بین‌المللی نیز مشهود می‌باشند. این مهم را می‌توان از مطالعه روند شکل‌گیری معاهدات بین‌المللی در جریان برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی درک کرد. این روند قطعاً دچار اختلالاتی است که نتایج مطلوبی به همراه ندارد و خروجی‌های اجلاس‌های جهانی کاملاً گشا نیستند. این روایت چیزی جز وجود موانع جدی بر سر راه مشارکت جهانی نیست. موانع تحقق دیپلماسی محیط زیست را می‌توان مربوط به شکاف فزاینده بین کشورهای توسعه یافته شمال و کشورهای در حال توسعه جنوب می‌دانست. دومین مورد مقاومت خیره سرانه حاکمیت ملی به عنوان یک هدف مهم از نوع خود است. سومین مورد، فقدان انگیزه کافی برخی دولت‌ها در انجام مذاکرات دسته جمعی برای بحث‌های جدی در مورد ماهیت معاهدات زیست‌محیطی جهانی و چالش‌های توسعه پایدار است. (Susskind, Ali, 2015,)

(11)

بنابراین زمانی که مشارکت جهانی شکل کارآمدی نداشته باشد قطعاً سیستم اداره محیط زیست جهانی با مشکل روبرو خواهد بود. در این راستا پنج عامل را که مانع از اجرای سیستم اداره ی محیط زیست جهانی می‌شوند پیشنهاد شده است:

- مدل قدیمی پیشرفت: تکیه بر مصرف و استخراج در راستای رشد، خسارات جبران ناپذیری بر سرمایه‌های طبیعی دارد.

- نمونه ی اخلاقی قدیمی: دانش برای درک مشکلات زیست محیطی مهم است، اما به تنهایی محرک فعالی نیست.

کمبود زمینه‌های اخلاقی برای تلاش‌های جهانی دسته جمعی و بهم پیوسته در نظارت زیست محیطی وجود دارد.

- قطع کردن سیاست اجرایی: با ایستادگی کردن مخالفت‌ها درباره ی هنجارهای واقعی و رویه ای، سازکارهای محرک و ناکافی، ظرفیت کم، و نبودن قدرت، تصمیمات صاحبان قدرت را به همراه دارد که موجب فاصله ای بین ساختار در حال رشد سیاستها و کاهش اجرایی شده است.

- چند پارگی: نبود اهداف مشخص، بصیرت متداول، و ارتباطی اثرگذار و هماهنگ که منجر به سازمانهای چندگانه، توافقات، و ابزارهایی برای حفاظت از محیط زیست جهانی و سیستم چندپاره ی بسیاری شده است.

- نبود جواب گویی: امضاکننده های توافقات چندجانبه ی زیست محیطی میتوانند با مصونیت بندها را نقض کنند. نبود استانداردهای اجرای منسجم در ارزیابی کردن اجرا یکی دیگر از این مشکلات است که با آن مواجهه می‌شویم.

(Ivanova, 2012, 5)

با این توصیف هر آنچه تا به حال بیان گردید ناشی از ظرفیت‌های ناکافی در مسیر توسعه دیپلماسی بوده است. در این مجال ما نمی‌توانیم چیزی جز واقعیت را در دستور کار خود داشته باشیم و لاجرم بایستی آسیب‌شناسی ساختاری را مطمح نظر قرار دهیم. مشارکت جهانی در پرتو تعاملات بین‌المللی همواره بعنوان فرآیندی اثر بخش در بسط و توسعه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قلمداد شده است. محیط زیست و حفاظت از آن که تمام ابعاد فوق را در بر می‌گیرد با جدیت هرچه تمام تر نیازمند عزم و مشارکت جهانی در جهت تحقق حفظ زیست کره است و این مهم میسر نخواهد شد مگر آنکه چشم انداز جهانی محیط زیست در دستور کار باشد. در سال ۲۰۱۲ توجه به این دستور کار بسیار مهم منجر به بررسی حدود ۹۰ مورد از توافقات بین‌المللی زیست محیطی شد و اطلاعات مهم زیر روئیت گردید: (Vidal 2012: 1)

- "تعدادی" از پیشرفت‌ها تنها در ۴۰ مورد از اهداف نشان داده شده بودند، که شامل گسترش مناطق حفاظت شده مانند پارک‌های ملی و و تلاش‌هایی در راستای کاهش جنگل زدایی بوده است.

- "تعداد خیلی کمی یا هیچ" پیشرفتی در ۲۴ مورد کشف شده بود، که شامل تغییرات آب و هوایی، ذخایر ماهی، بیان زدایی و خشک سالی بوده است.
- "تصمیم بعدی" برای هشت مورد که شامل کیفیت سواحل مرجانی دنیا اعلام شده بود، و هیچ اطلاعاتی برای موارد دیگر در دسترس نبود. (طیبه، ۱۳۹۵، ۲۵۶)

در این راستا به نظر می رسد دیپلماسی محیط زیست در روند ایجاد دقیق عمل کرده و نشانه بارز آن وجود کنوانسیون ها و دیگر اسناد مهم بین المللی است. اما در مرحله اجرا به دلیل عدم موازنه قدرت شمال و جنوب و وجود تنش هایی در مناطق توسعه نیافته و منفعت طلبی های حاکمیتی، دیپلماسی محیط زیست دچار اختلالاتی می باشد. این مساله را نایستی فراموش کنیم که نگاه دقیق و منتقدانه ما را به این سمت رهنمون می سازد که نسبت به دیپلماسی های موفق و ناموفق قائل به تفکیک باشیم.

۵) آسیب شناسی حقوقی و مدیریتی

۱- آگاهی رسانی عمومی و مشارکت مردم به ویژه نهادهای غیردولتی امروزه به عنوان یکی از ابزارهای اصلی و کلیدی در خصوص حفاظت از محیط زیست مطرح است. جلب مشارکت مردم از طریق آموزش و اطلاع رسانی به دست می آید. این مقوله توجه عموم را به محیط زیست پیرامون جلب می نماید و زمینه ای برای قانون مداری زیست محیطی ایجاد می کند. این یک مساله عادی نیست بلکه در معاهدات بین المللی حق بر آگاهی مد نظر واقع گردیده است. در این راستا معاهدات بین المللی بسیار مهم اصول راهبردی صوفیا مصوب ۱۹۹۵ و دو کنوانسیون بین المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط زیست مصوب ۱۹۹۸ دانمارک و کنوانسیون بین المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی مصوب ۱۹۹۸ وجود دارد. (ملکی اصل، ۱۳۹۳، ۷۰)

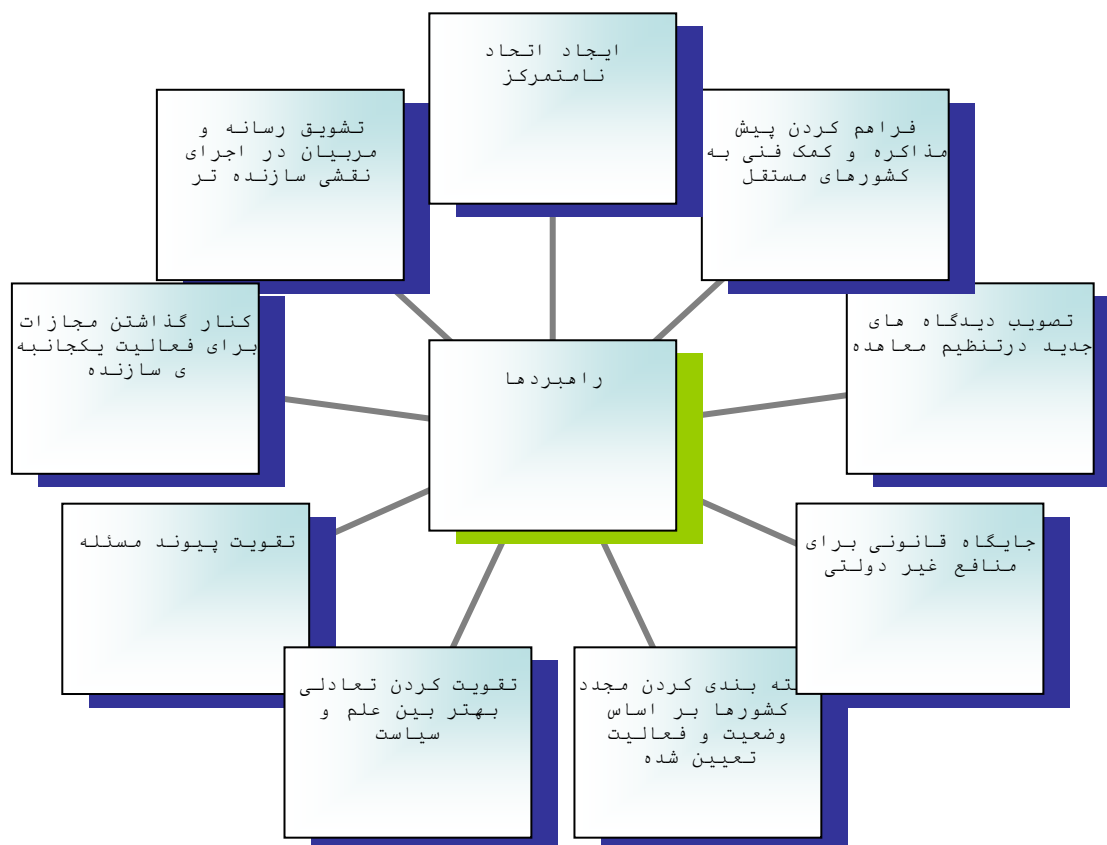
در این راستا به موجب ماده دو (اصول راهبردی صوفیا)، کلیه افراد حقیقی و حقوقی، باید بتوانند بدون توجه به رابطه شهروندی، ملیت، محل اقامت و بدون آن که مؤلف به اثبات داشتن نفع حقوقی باشند، آزادانه به اطلاعات زیست محیطی که تقاضا نموده اند، دسترسی یابند، بدین ترتیب، به موجب این اصل، دولت ها نمی توانند با استناد به ملیت افراد، از ارائه اطلاعات مربوط به مسائل محیط زیستی به متقاضیان استتکاف نمایند. همچنین دولت ها باید اسناد ملی و بین المللی مربوط به محیط زیست، مانند راهبردها، برنامه ها و همچنین گزارشات مربوط به نحوه اجرای آن ها را به اطلاع همگان برسانند. کنوانسیون بین المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی مصوب ۱۹۹۸ نیز بر دو مبنای دسترسی عموم به اطلاعات محیط زیستی و امکان مشارکت عمومی در اتخاذ تصمیمات مربوط به محیط زیست شکل گرفته است. در این راستا هر چند بر اهمیت موضوع پیش رو تاکید گردیده اما یکی از خلاء های مهم در تحقق روند دیپلماسی عمومی محیط زیست، عدم تحقق حق آگاهی های زیست محیطی است. هرچند خلاء پیش رو تا حدی با وجود سازمان های مردم نهاد مرتفع گردیده اما هنوز این مساله بخصوص در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته دچار مشکل است. از این رو می توانیم بیان کنیم که دیپلماسی محیط زیست در سطح ملی و منطقه ای دچار اختلال است و موفق عمل نکرده است.

۲- تمامی کنوانسیون ها و معاهدات و پروتکل های بین المللی محیط زیستی بسترگاه قانونی تحت قواعد نرم و قواعد سخت و قابل اجرا تحت تعهدات مشترک بین المللی است. ما شاید در سطح بین المللی نیازمند صلاح قواعد محیط زیستی نباشیم چرا که در این زمینه بیشترین قواعد را دارا هستیم. به نظر می رسد ما در زمینه اجرای معاهدات در سطوح منطقه ای و ملی دچار اشکال هستیم. علت این امر هم نبود تعاملات صحیح در سطوح منطقه ای و نبود همگرایی مثبت در سطوح ملی است. این مطلب نافی عملکرد موفق دیپلماسی بین المللی محیط زیست نیست بلکه به نوعی آسیب شناسی حقوقی و مدیریتی هست که در سایه آن بتوان راهبرد دیپلماسی محیط زیست را تحکیم بخشید.

۳- وجود اصول و مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست از نشانه های بارز موفقیت دیپلماسی محیط زیست در روند توسعه این شاخه بوده است. همین موفقیت هست که این فرآیند را به طرف حقوق بین الملل توسعه پایدار سمت و سو داده است. توسعه عالی پایدار نیز یک زمینه وسیع و موفق ناشی از دیپلماسی محیط زیست است. در همین راستا وجود آراء و رویه های قضایی بین المللی است که زمینه های فعال دیپلماسی محیط زیست را در برخی از آنها شاهد هستیم و به نظر می رسد این روند توفیقات بیشتری را برای جامعه بین المللی به همراه خواهد داشت.

۶) الگوی چارچوبی و راهبردی برای دیپلماسی محیط زیست

با نگاهی وسیع به چارچوب دیپلماسی محیط زیست و تاثیر آن بر تعاملات بین المللی و صلح جهانی و تدقیق در رهیافت آسیب شناسی ساختاری این مساله، ارائه راهبردهایی در جهت رفع آسیب ها ضروری می نماید:



شکل شماره ۱: الگوی چارچوبی دیپلماسی محیط زیست (طیبی، ۱۳۹۵، ۲۵۸)

راهبرد اول : ایجاد اتحاد نامتمرکز

راهبرد پیش رو در بستر مساعدت و همکاری کشورهای منطقه ای تحقق می یابد. کشورهای با علایق زیست محیطی مشترک همواره می توانند در مذاکرات سازمان های منطقه ای خود شرکت نموده و در جهت کشف علایق مشترک، تقسیم اطلاعات تکنیکی، و تحلیل متناوب استراتژی با یکدیگر همکاری نمایند. چنین گروه هایی به مساعدت و دلگرمی از طرف نمایندگان بی طرف نیاز دارند. برای بیشتر قسمتها، گروه ها باید بر اساس منطقه ای سازماندهی شوند؛ تا ملتهایی که مرزهای مشترک دارند یا تکیه بر منابع مشترک دارند نشست منظمی داشته باشند. در موقعیتهای دیگر، کشورهایی با علایق مشترک و بدون هیچ هم مرزی باید برای تغییر اطلاعات و گفتگو بر سر احتمالات در کار کردن با یکدیگر و مدیریت منابع تشویق شوند. نکته ی چنین نشستهایی ایجاد پیوستگی، شامل اتحادی است که از وسط مرزهای شمال - جنوب رد می شود. (Susskind, Ali, 2015, 160)

راهبرد دوم : فراهم کردن پیش مذاکره و کمک فنی به کشورهای مستقل

تنها تعداد معدودی از کشورها در پیشرفت فنی و چشم اندازهای غیر رسمی از نظر سیاسی در هر موضوع جهانی که به وجود می آید منابع مورد نیاز را دارند. اطلاعاتی معمولی و توصیه های راهبردی اصولاً در دسترس کشورهایی که به آنها نیاز دارند نیستند. نکته قابل ذکر این است که کشورها بایستی در دسترسی به اطلاعات آزاد باشند و در جهت حفظ منابع محیط زیستی اطلاعات مربوطه را در اختیار داشته باشند. این مهم از طریق کمک های فنی کشورهای توسعه یافته صورت می پذیرد.

راهبرد سوم : اتخاذ دیدگاه های جدید در تنظیم معاهده

کشورها می توانند با هر دیدگاه و موضع در کنفرانسهای بین المللی در تمامی موضوعاتی که کاملا قابل حل هستند شرکت می کنند. شرکت کشورها نشان از اهتمام و جدیت در کار دارد. دولت ها نیز بایستی بعنوان وکلای مردم خود بصورت مستمر در این نشست ها شرکت کنند و در تصمیم سازی های موثر سهیم باشند. همین حضور کشورها می تواند دیدگاه های جدیدی را در خصوص روند شکل گیری معاهدات ایجاد کند و به تکوین روند دیپلماسی کمک شایانی بنماید.

راهبرد چهارم : جایگاه قانونی برای منافع غیر دولتی

وجود سازمان های غیردولتی و مردم نهاد مدنی و حضور چشمگیر آنها در روند کنفرانس های بین المللی زیست محیطی و پر رنگ جلوه کردن آنها در مسیر دیپلماسی محیط زیستی این مساله را گوشزد می نماید که بایستی نقش قانونی برای آنها قائل شد. سازمان های غیر دولتی سهم عمدتا مهمی در ایجاد معاهده در طول ۲۰ سال اخیر داشته اند.

راهبرد پنجم : دسته بندی کردن مجدد کشورها بر اساس وضعیت و فعالیت تعیین شده

به نظر می رسد بایستی کشورها بر اساس میزان درگیری با مخاطرات زیست محیطی، وجود منابع و توانایی های موجود که بر اساس آن بایستی پاسخگو باشند، دسته بندی شوند. معیارهای متفاوتی از مسئولیت پذیری یا اجرا برای دسته بندیهای متفاوتی از کشورها در تمامی معاهده های زیست محیطی باید مشخص شوند. علت این مساله جلوگیری از عدم تداخل مواضع حاکمیتی کشورهای مختلف است.

راهبرد ششم : تقویت کردن حفظ تعادل بهتر بین علم و سیاست

تمامی ملتها باید به استحکام مشارکت در سازمانهای علمی بین المللی کمک کنند؛ زیرا آنها تلاش بسیاری در خصوص تحلیل های قابل باور دارند. در این راستا یک تعامل انبساطی بایستی مابین علم و سیاست ایجاد گردد تا یافته ها و تحلیل ها حاصله نشأت گرفته از یک باور کاملا علمی در بستر سیاست تکامل یافته باشد. این مهم شکل جدی به خود نخواهد گرفت مگر آنکه استاندارد هایی مد نظر باشد و یا عبارتی دیگر در بستری قانونمند انجام پذیرد.

راهبرد هفتم : تقویت پیوند مسئله

در پرتو این راهکار با وجود منافع کشورهای مختلف در مذاکرات و تامین اهداف آنها، بایستی روند کار رو به جلو باشد تا مبادا گسستی در این خصوص بوجود آید. غیرطبیعی نخواهد بود اگر کشورهایی با چشم داشت مالی به پای میز مذاکرات بیایند و انتظار کمک داشته باشند. به هر ترتیب به دلیل حجم معاهدات و سختی کار بایستی مشوق هایی وجود داشته باشد تا روند دیپلماسی دچار خلل نگردد. همچنین بایستی سیاستی اتخاذ گردد تا مرحله اجرای معاهدات نیز با مشوق هایی همراه باشد. در این حالت است که دیپلماسی موفق شکل می گیرد.

راهبرد هشتم : کنار گذاشتن مجازات برای فعالیت یکجانبه ی سازنده

برخی کشورها از اجرای ملی نظامات زیست محیطی به دلیل به سرانجام نرسیدن توافقات بین المللی سر باز می زنند و اجرای این مهم را به بعد از امضاء معاهدات موکول می نمایند. دلیل این کشورها همانا عدم هماهنگی در اجرای این نظامات توسط کشورها و ضررهای رقابتی می باشد. البته حاکمیت ها این مساله را بعضا مغایرت با حاکمیت ملی تلقی کرده و زمان بعد از امضاء معاهده و شرایط پیرامون را مناط اعتبار قرار می دهند. به هر ترتیب بایستی این نگرانی ها مرتفع گردد و کشورها احساس نکنند اجرای زودتر از موعد نظامات زیست محیطی به ضرر آنهاست و کشورها بایستی این را بدانند که هزینه برای

کشوری که در دور اول اجرای قانون است، معمولاً کمتر از هزینه تلاشهای بعدی است که می‌خواهند به درجات بالای کیفیت زیست محیطی برسند. (Marcus 1980 : 267)

راهبرد نهم: تشویق رسانه‌ها در اجرای نقشی سازنده تر

این رسانه‌ی عظیم دو نقش برای اجرا دارد: گزارش وقایع و تربیت مردم. بخش بسیار مهمی که نقش دیپلماسی محیط زیست در روابط بین‌الملل را بیان می‌کند و رسانه باید فضا و زمان اضافی برای خبرهای زیست محیطی فراهم کند، که هر دو در پیش‌بینی کردن وقایع پیش‌رو و پوشش مذاکرات در حال پیشرفت است. پوشش جهانی اجلاس سران زمین، اجلاس سران ژوهانسبورگ، و ریو ۲۰+ موثر بود، اما بعد از اتمام وقایع اندک رسانه‌هایی هستند که مشکلات جدی که امضاکننده‌ها در اجرای شروط مبهم معاهده‌ها که در چنین اجلاس‌هایی امضا کردند و با آن مواجه میشوند را پوشش دهند. چندین دلیل وجود دارد که مباحث جهانی زیست محیطی در خیلی از بخش‌های دنیا گزارش داده نمی‌شوند. اول، خروجی خیلی از رسانه‌ها ظرفیت گزارش دادن چنین وقایعی را ندارد. تعداد اندکی از روزنامه‌نگاران صلاحیت دار برای قابل مفهوم کردن چنین مباحث پیچیده‌ای فرستاده می‌شوند. دوم، مأموریت رسانه‌ها اغلب محدود است. آنها مسئولیت گزارش دادن وقایع را می‌پذیرند اما نه برای تربیت عموم. البته اگر عموم از اهمیت معاهدات جهانی زیست محیطی و مذاکرات اطلاعی نداشته باشند، برای پوشش چنین اخباری تقاضایی نمی‌کنند. در غیاب چنین درخواستی، رسانه‌ها هم بیان می‌کنند که مردم علاقه‌ای به این اخبار ندارند. در همین راستا بایستی شبکه‌ای جهانی از سازمانهای علمی و نهادهای آکادمیک باید مسولیت ساخت بانک اطلاعاتی زیست محیطی را بر عهده بگیرند که رسانه‌ها به صورت الکتریکی در هر کجای این دنیا باشد از آن استفاده کنند. (Susskind, Ali, 2015, 176)

راهبرد دهم: تلاش برای صلح

از آنجایی که تلاشهای اصلاحی در درجات خیلی پایین مورد توجه است، به نظر می‌رسد بایستی مزایای ارزشمند دیپلماسی محیط زیست را مورد توجه قرار دهیم. پایه و اساس تحقق دیپلماسی محیط زیست همانا مشارکت جهانی در پرتو تعاملات بین‌المللی است. این فرآیند در صورت تحقق قطعا به ارمغان آورنده صلح جهانی است. به هر ترتیب آماده‌سازی زمینه مسائل محیط زیستی در ایجاد صلح بایستی به روشی تکاملی مورد توجه قرار گیرد که در هر شرایطی اهمیت آن احساس گردد. از این رو بایستی در جهت مقابله با تهدیدات محیط زیستی در پرتو دیپلماسی محیط زیست نکات ذیل را از نظر دور نداشت:

(الف) توسعه اطلاعات مشترک بر پایه‌ی تهدیدات رایج محیط زیست؛

(ب) تشخیص ضرورت همکاری در کم کردن تهدیدات؛

(ت) ارتباطی شناختی و اعتماد سازی از طرف نخستین همکاری محیط زیستی

(ج) تعاملات ادامه دار بر سر زمان به علت اهمیت محیط زیست؛

(چ) توضیح برداشتهای اشتباه و محدود ساختن درگیری‌های ارتباطی؛

(ح) گسترش همکاری و برآیند ایجاد صلح.

اهمیت دادن به منابع محیط زیست و رشد درک مسائل محیط زیستی نیازمند یکی کردن راه حل‌ها از طریق مرزها دارد و احتمال این می‌رود که برای بهره‌مندی از منابع درگیری افزایش یابد. مثلا منابع آب که در چارچوب معاهدات مرزی مشخص گردیده و نمونه بارز آن ایران و افغانستان در خصوص مساله هیرمند با جدالهای مداوم بین دو کشور بر سر پروژه‌های مدیریت آب امتحان شده است، اما هیچ وقت به توافق مدیریتی بوم شناختی نرسیده است. هر چند مذاکرات به صورت ساختاری بر

روی تقسیم منابع آب تا راه حل های کار آمد انجام پذیرفته ولیکن نقطه تمرکز بر روی مسائل محیط زیستی کم بوده است. به هر ترتیب تعامل، اصلی ترین مسئله در جهت رفع اختلاف و ابزاری جدی در جهت بروز اختلافات می باشد. (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۴، ۷)

راهبرد یازدهم: رسیدن به توسعه پایدار

در واقع، رسیدن به توسعه ای سریع و بدست آوردن شاخص های مهم محیط زیستی، نیاز به در پیش گرفتن سیاست های فرا منطقه ای و ادغام جوامع بین المللی دارد. دلایلی که برای اولویت این مسئله امروزه در جهان مطرح است عبارتند از:

۱- توسعه محیط زیست با تقاضای شدید استفاده از آن همراه است و عملاً بیشترین این تقاضا مربوط به استفاده بیشتر منابع در جهان است. بنابراین پیش بینی می شود در چندین سال اخیر باروندی که در استفاده از محیط زیست مطرح شده و وجود دارد منابع از بین برود و در جهان با مسئله تخریب مواجه شویم. متقابلاً تمامی کشورها با نابودی و زوال و ماشین شدن روبرو هستند و اگر به مسئله حفاظت از محیط زیست توجه نشود به زودی زود دیگر محیط زیست (منابع طبیعی) وجود نخواهد داشت.

۲- برای توسعه به گونه ای مسئله حفاظت در آن مورد توجه قرار گیرد، تمامی جوامع بین المللی به فن آوری و تکنولوژی های مدرن نیاز دارند و با توجه به بی اعتمادی که بین جوامع بین المللی (جهان اول، جهان سوم) وجود دارد، نمی توانند کشورها در این راه به هم اتکا کنند، بنابراین تمامی کشورها باید به روابط دوستانه و رو به توسعه در زمینه حفاظت از محیط زیست توجه خاصی مبذول بدارند. امروزه بسیاری از کشورهای ناتوان می توانند با توجه به مسائل حقوقی که در جهان در زمینه محیط زیست مطرح است برای دستیابی به تکنولوژی سبز (پاک) و جلوگیری از تخریب محیط زیست با کشورهای ابرقدرت در زمینه محیط زیست معاهداتی را به امضاء برسانند و با هم وحدت و یکپارچگی داشته باشند تا جلوی تخریب گرفته شود.

۳- مسئله محیط زیست می تواند همانند پلی بین جوامع بین المللی باشد که در این میان همگرایی بین المللی نقش مهم و عمده ای را می تواند داشته باشد و کشورها با وحدت و همکاری می توانند مانع از بین رفتن زمین شوند.

۴- در نگاه کلان، نگاه به حفاظت از محیط زیست می تواند این فرصت را برای جوامع بین المللی فراهم آورد تا قادر باشند یک تعادلی در روابط خارجی خود فراهم آورند و قدرت مانور کشورها را در برخورد با پدیده های محیط زیستی برای هم افزایش دهند. در واقع باید یادآور شد، یکی از اهداف مهم در این اولویت بندی ها، ایجاد نوعی تعادل در روابط بین المللی و متنوع سازی و استفاده صحیح از محیط زیست است و واضح است که نگاه به مسئله حفاظت و همگرایی بین المللی در عین اهمیت به آن، به معنی بی توجهی به بقیه کشورهای ناتوان نیست چرا که به طور قطع، ایجاد روابط بین کشورها باید به وجود آمدن تکنولوژی های مدرن و پاک در تمامی جوامع است و این همگرایی باید به گونه ای باشد که تمامی جهان بتوانند در این مورد به صورت واحد و یکپارچه عمل کرده و از فن آوری های موجود بهره ببرند.

راهبرد دوازدهم: تحکیم ساختار و تشکیلات

- ایجاد و تشکیل کمیته های ملی دیپلماسی محیط زیست در کشورهای شمال و جنوب و ایجاد شورای هماهنگی منطقه ای با ساختار و ترکیب مشخص به منظور همگرایی و اتخاذ سیاست هماهنگ در خصوص مسائل محیط زیست و تعاملات مثبت در این خصوص.

- تقویت ساختارهای موجود بین المللی و جهانی نظیر یونپ و توسعه و بسط چارچوب دیپلماسی بین المللی محیط زیست از این طریق در جهت تحقق ساختار جدید سازمان محیط زیست جهانی.
- ایجاد و تشکیل ساختار بین المللی در سطح کشورهای اسلامی و اتحادیه های آسیایی - افریقایی.
- فعال سازی سازمان های منطقه ای نظیر راپمی به منظور هدفمند سازی و تحقق دیپلماسی محیط زیست خلیج فارس و همانند سازی در خصوص دیپلماسی خزر.

راهبرد سیزدهم : راهکار حقوقی

- تدوین یک دستورالعمل جامع جهت مدیریت دیپلماسی بین المللی محیط زیست.
- تعیین ضوابط و معیارهای بین المللی از طریق مراجعه به آئین های اجرای معاهدات بین المللی.
- تعیین ضوابط از طریق بکارگیری استانداردهای تعادلی، فن آوری و بهداشتی زیست محیطی. (کریمی، ۱۳۹۱، ۳۵)
- وجود ضمانت اجرای معاهده ای در خصوص ناقضان مسئولیت بین المللی محیط زیستی.

راهبرد چهاردهم : راهکارهای عمومی

- آگاهی رسانی و مشارکت عمومی به ویژه از طریق سازمان های مردم نهاد که نقش اثر بخشی در توسعه دیپلماسی محیط زیست داشته اند.
- گسترش و توسعه آموزش و پژوهش های کاربردی در خصوص دیپلماسی محیط زیست از طریق بررسی دیپلماسی های موفق و ناموفق در کشورهای مختلف.
- استفاده و بهره گیری از تجربیات کشورهای مختلف از طریق نمایندگان کشورهای حاضر در اجلاس ها و کنفرانس های بین المللی.
- حمایت مادی کشورهای دارای منابع مالی قوی بخصوص کشورهای شمال در جهت حفاظت از محیط زیست در پرتو دیپلماسی بین المللی محیط زیست.

راهبرد پانزدهم : نگاه به امروز، نگاه به آینده

امروز، نگاه ما بر محوریت تعامل و همگرایی است چرا که هنوز همدلی جهانی ایجاد نگردیده و این مهم محصول نگاه منفعت گرایانه است که توسعه ای نامطلوب در پیش روی ما گذاشته است. هر چند نگاه امروز در پرتو انسجام حضور بازیگران بین المللی در عرصه تصمیم سازی های محیط زیستی دنبال می گردد و این مهم در بستر کنفرانس های بین المللی زیست محیطی نمود پیدا می کند که نتیجه آن معاهدات بین المللی است که شکل گیری آن مدیون دیپلماسی محیط زیست است. اما نگاه به آینده افزون بر نگاه امروز است آنگونه که پایداری در تمام سطوح خواسته جامعه بین المللی است. پایداری در دیپلماسی سبز همگام با تعاملات بین المللی در نیل بسوی صلح جهانی پایدار مقصود ماست.

(۷) چارچوب ملی:

نظام جهانی در سیر تحول خود نیازمند تعامل بشریت هست و این تعامل همانا روابط بین المللی است که بر پایه دیپلماسی شکل اساسی به خود می گیرد. در این فرآیند دیپلماسی هدفمند می تواند ضامن بقای جامعه انسانی و حیات بشری با حفظ منافع مشترک با امعان نظر به پایبندی به تعهدات بین المللی و رعایت قواعد آمره باشد. دیپلماسی چه در حالت عمومی (با نگرش ملی) و چه در حالت رسمی (با نگرش بین المللی) بایستی هدفمند عمل کند. این هدفمندی تا آنجائی که پیش می رود که ثبات و صلح جهانی را در پی داشته باشد. (طیّبی، اسماعیلی فرد، ۱۳۹۴، ۱۵۲) دیپلماسی محیط زیست یک روند کاملاً جدی و بر مدار صلح و حقوق نرم قابلیت حرکت دارد. این روند وظیفه ملی^۱ و بین المللی را به ما گوشزد می کند. دیپلماسی محیط زیست تقریباً همیشه اولویت دوم، و یا حتی سومین، هدف از سیاست خارجی دول مختلف بوده است. دیپلماسی محیط زیست بایستی بی الویت باقی بماند و در نهایت، باید اذعان کرد که فقط برای حفظ حیات زیست کره، دیپلماسی وجود دارد. (طیّبی، ۱۳۹۲، ۱)

به نظر می رسد از منظر ملی اگر بخواهیم الگوی دیپلماسی محیط زیست را تشریح نمائیم بایستی ابعاد ملی، منطقه ای و بین المللی مد نظر قرار گیرد. در این راستا به لحاظ ملی بایستی ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین بعد حقوقی مورد توجه واقع گردد. در واقع می توان گفت سیاستگذاری عمومی می تواند در حوزه دیپلماسی محیط زیست راهگشا باشد.

علم	محیط زیست	آمار و اطلاعات، فنآوری، حفاظت محیط زیست به پژوهش های بنیادین، روش علمی
-----	-----------	--

^۱ - سازمان حفاظت از محیط زیست کشور ما که ساکنان کشتی سبز است بایستی در یک اقدام مؤثر نسبت به دیپلماسی محیط زیست سازگاری غیر نمادین و واقعی تدبیر نماید و هر چه سریعتر کمیته ملی دیپلماسی محیط زیست را بنیان نهد. در واقع این تدبیر با ابلاغ سیاست های کلی محیط زیست توسط رهبر معظم انقلاب چهره عملی پیدا نماید. در واقع ابلاغ این سیاست بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده و یک اقدام ارزشمند تلقی می گردد. در این راستا در بند ۱۵ این ابلاغ بیان گردیده: « تقویت دیپلماسی محیط زیست با: ۱-۱۵- تلاش برای ایجاد و تقویت نهادهای منطقه ای برای مقابله با گرد و غبار و آلودگی های آبی. ۲-۱۵- توسعه مناسبات و جلب مشارکت و همکاری های هدفمند و تأثیرگذار دوجانبه، چندجانبه، منطقه ای و بین المللی در زمینه محیط زیست. ۳-۱۵- بهره گیری مؤثر از فرصت ها و مشوق های بین المللی در حرکت به سوی اقتصاد کم کربن و تسهیل انتقال و توسعه فناوری ها و نوآوری های مرتبط.» (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۹۴، ۱)

به هر ترتیب فرمایشات مقام رهبری در زمره بالاترین درجه کارشناسی و فقهی و از سر یک شناخت حقیقی و عمقی از وضعیت زیست بوم کشور و وضعیت محیط زیست و منابع طبیعی کشور و همچنین براساس رصد فعالیت های انجام شده توسط سازمان های مردم نهاد و فعالیت های انجام شده توسط سازمان حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی و شهرداری ها بوده است. (توتونچی، ۱۳۹۴، ۱) با این وصف وضعیت محیط زیست کشور ما و موقعیت استراتژیک ایران می طلبد که کمیته ملی دیپلماسی وجود خارجی پیدا کند و این مساله ای بسیار پر اهمیت است.

ارزیابی، آمایش		
سیاست	محیط زیست	ملاحظات انتخاباتی، حفاظت محیط زیست به فشارگروه های ذینفع، روش سیاسی عدم اطمینان
دموکراسی	محیط زیست	آزمایشگاه دموکراسی، حفاظت محیط زیست و نقش شهروندی، ثبات شهروندی حاکمیتی، تقلی حاکمیتی
دیپلماسی	محیط زیست	مذاکره، تعامل، همکاری حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار

شکل شماره ۲: سیاست و محیط زیست (طیبه، ۱۳۹۵، ۱۸۷)

همچنین نگاه ویژه به استانداردهای زیست محیطی از جمله مقررات گذاری زیست محیطی و ارزشگذاری زیست محیطی را نایستی از نظر دور داشت.

سیاست	سیاستگذاری عمومی و رسمی محیط زیستی
امنیت	چارچوب گذاری ملی و بین المللی محیط زیستی
اقتصاد	ارزشگذاری محیط زیستی
فرهنگ	تاثیرگذاری اجتماعی محیط زیستی
حقوق	مقررات گذاری محیط زیستی
بهداشت و سلامت	ایمن سازی محیط زیستی

شکل شماره ۳: رویکردهای زیست محیطی (طیبه، ۱۳۹۵، ۱۸۹)

به لحاظ منطقه ای بایستی دیپلماسی محیط زیست را در خصوص خلیج فارس، دریاچه خزر و اروند رود و همچنین تالاب هامون و محیط زیست منطقه فعال کنیم. در همین راستا بایستی میزان پایبندی به تعهدات بین المللی زیست محیطی کشورمان را تبیین نمائیم. حال اینکه به نظر می رسد دیپلماسی محیط زیست در کشور ما صد در صد موفق عمل نکرده باشد اما ما بایستی از این ابزار بسیار مهم برای پیشبرد اهداف حفاظتی و حمایتی از محیط زیست بهره مند شویم.

۸ نتیجه گیری:

هنوز درک صحیحی از دیپلماسی محیط زیست در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد و این مساله همواره گام های توسعه را دچار اختلال کرده است. تحقق توسعه و تصور پایداری بنای غلطی است که همیشه گریبانگیر کشورهای جنوب بوده است. طرز تلقی ما از تحولات کلی نگر و بخشی نگر در حقوق بین الملل توسعه پایدار کماکان با مشکل روبروست اما این مسائل مانع از توجه اکید ما به حاکمیت زیست محیطی نیست. به واقع دیپلماسی محیط زیست همواره ثبات بخشنده مواضع بازیگران بین المللی با حفظ روش و منش دیپلماتیک در جریان کنفرانس های بین المللی با حفظ موقعیت و پایبندی به اصول و مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست است. به هر حال دیپلماسی محیط زیست در واقع روایت درک ژئوپلیتیکی از مذاکرات توافقنامه های بین المللی زیست محیطی است که زمینه مساعد جهت هدایت و روشن ساختن بهبود سیستم فعلی را فراهم می کند.

اگر چه موافقت نامه های بین المللی زیست محیطی به صورت تصاعدی در پنج دهه گذشته افزایش یافته است، با این حال تصمیم گیری در خصوص مسائل کلیدی مانند از دست رفتن تنوع زیستی، تغییرات اقلیمی، تخریب لایه ازن، حمل و نقل زباله های خطرناک و دیگر چالش های سیاره ای، نیازمند پایبندی کشورها به هنجارهای بین المللی است. در این راستا همچنین باید بیندیشیم که موفقیت ها و شکست هایی در خصوص ساختار معاهدات زیست محیطی وجود داشته است و نقش جامعه مدنی و جوامع علمی در جهت فرآیند رشد و بلوغ این ساختارها موثر بوده است. به هر ترتیب دیپلماسی محیط زیست چارچوب موثری برای حفاظت محیط زیست و ابزاری کارآمد برای دغدغه مند ساختن اذهان جامعه جهانی در خصوص مخاطرات زیست محیطی و همچنین راهبردی برای به درک رساندن بازیگران بین المللی از اهمیت ژئوپلیتیکی زیست کره و حفاظت آن می باشد. از منظر ملی، به نظر می رسد پس از ابلاغ سیاست های زیست محیطی نظام نیز سازمان محیط زیست و وزارت امور خارجه بایستی یک کمیته ملی مشترک دیپلماسی محیط زیست ایجاد نمایند و این مساله می تواند با تمرکز ویژه بر مساله محیط زیست تنش های زیست محیطی منطقه را کاهش دهد.

فهرست منابع

پورهاشمی، سید عباس، سبحان طیبی و مهناز ضرابی. (۱۳۹۴). چشم انداز وضعیت حقوقی « توسعه پایدار» محیط زیست بعد از سال ۲۰۱۵، فصلنامه علمی ترویجی آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور تهران، در حال چاپ.

توتونچی، بابک. (۱۳۹۴). تحلیل سیاست های محیط زیستی نظام، سایت انتخاب خبر، آذرماه، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۵/۱۴، به نشانی: <http://www.entekhab.ir/fa/news/239358/>

سازمان حفاظت محیط زیست. (۱۳۹۴). ابلاغ سیاست های کلی محیط زیست توسط رهبر انقلاب، آذرماه، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۵/۱۴.

طیعی، سبحان. (۱۳۹۲). دیپلماسی محیط زیست؛ نگرش های موجود در مورد حفاظت محیط زیست و حقوق بشر، وبلاگ دانشمندان حقوق ایران فردا به نشانی: <http://ehsantohid.blogfa.com>

طیعی، سبحان. (۱۳۹۴). دیپلماسی محیط زیست و روند آن در توسعه حقوق بین الملل محیط زیست، اولین همایش ملی محیط زیست طبیعی، جهاد دانشگاهی پژوهشکده محیط زیست، گیلان.

طیعی، سبحان، مریم اسماعیلی فرد. (۱۳۹۴). کاربرد دیپلماسی دفاعی در مسیر پیشبرد دیپلماسی محیط زیستی، دوفصلنامه دیپلماسی دفاعی، مرکز مطالعات راهبردی دیپلماسی دفاعی، سال چهارم، بهار و تابستان.

طیعی، سبحان. (۱۳۹۵). دیپلماسی محیط زیست و تاثیر آن بر تعاملات بین المللی و صلح جهانی، رساله دکتری به راهنمایی دکتر سیدفضل اله موسوی و دکتر سید عباس پورهاشمی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.

کریمی، داریوش. (۱۳۹۱). جزوه کلیات حقوق منابع طبیعی دوره دکتری گروه حقوق محیط زیست، دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

مجابی، سید محمد. (۱۳۹۲). دیپلماسی جهانی و جایگاه محیط زیست، وبلاگ روزنوشت های سید محمد مجابی، به نشانی: <http://www.smojabi.blogfa.com/post-1608.aspx> تاریخ مراجعه ۹۴/۱۰/۲۷

ملکی اصل، پگاه. (۱۳۹۳). تحول در تعهدات دولتها ناشی از میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در پرتو امنیت انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل به راهنمایی دکتر حسین شریفی طراز کوهی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

Ivanova, Maria. (2012). *Global Governance up the Twenty first Century: Rethinking the Environmental Pillar*, London: the Stakeholder Forum, This publication provides a critique of the UNEP reform process.

Marcus, Alfred (1980) "Environmental Protection Agency," in *The Politics of Regulation*, New York: Basic Books.

Susskind, L.E. (1994) *Environmental Diplomacy: Negotiating More Effective Environmental Agreements*, Oxford University Press.

Susskind, L.E., Ali H Saleem, (2010) *Environmental Diplomacy: Negotiating More Effective Environmental Agreements*, Oxford University Press.

Vidal, John (2012) "Many Treaties to save the Earth but Where's the will to implement them? The Guardian. June 7. Online at : www.theguardian.com/environment/blog/jun/07/.